

## **Predictive approach to terrorist crimes<sup>1</sup>**

Farhad Shahideh<sup>2</sup>, Bagher Shamloo<sup>3</sup>

Received: 25, May, 2021

Accepted: 09, August, 2021

### **Abstract**

**Background and objective:** Terrorism has led to the spread of violence, threats to security, negative effects on the economic, cultural, social and political dimensions of different societies, growing insecurity in the world, and as a result, the sensitivity of criminal justice activists, including the police, to this issue. In recent years, the police, with a predictive approach in the framework of criminological crime risk management, mainly are seeking to predict terrorist crime and identify high-risk variables, including people or places that are most prone to crime.

**Methods:** The research method in this research is descriptive-analytical, the primary data of which has been collected through library sources. After analyzing the initial data, the results of the theoretical study were obtained. Accordingly, an attempt has been made to explain the issue more precisely by presenting some models.

**Findings:** The findings of the study showed that the police with the policies of controlling terrorist crimes today are more towards forecasting through statistical and information models and in its new form through artificial intelligence. Also, high-risk groups and places, such as immigrants and crowded places, are a priority for police approaches to terrorist crimes.

**Results:** Crime prediction and identification of dangerous terrorist variables play an effective role in identifying the context, in which the terrorist crime was committed, by the police. Accordingly, the spread of terrorist acts and, subsequently, securityism has led populist policies to influence police approaches to identifying certain variables, such as the placement of immigrants or crowded places in the group of high-risk variables. Finally, the focus of the Iranian police should be on reducing predictive approaches to forecasting and identifying terrorist threats with information and statistical methods and models that can be effective in reducing terrorist crimes.

**Keywords:** Police, Prediction, Identification, Security, Terrorism.

---

1 This article is adapted from a PhD dissertation entitled "Criminological analysis of differential policymaking in relation to terrorist crimes."

2 PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: farhad\_shahideh@yahoo.com

3 Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author).

Email: [baghershamloo@gmail.com](mailto:baghershamloo@gmail.com)

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

صص ۱۴۶-۱۱۳

## رویکرد پیش‌بینانه به جرایم تروریستی<sup>۱</sup>

فرهاد شاهیده<sup>۲</sup>، باقر شاملو<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

### چکیده

**هدف:** تروریسم موجب گسترش خشونت، تهدید امنیت، اثرات منفی بر ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع مختلف، رشد فزاینده ناامنی در جهان شده و در نتیجه، حساسیت کنش‌گران عدالت کیفری از جمله پلیس، به این موضوع را به دنبال داشته است. در سال‌های اخیر پلیس با رویکردی پیش‌بینانه در چارچوب مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم، به‌صورت عمده به دنبال پیش‌بینی جرم تروریستی و شناسایی متغیرهای پُرخطر؛ شامل افرادی یا مکان‌هایی است که بیشتر در معرض ارتکاب جرم قرار دارند.

**روش:** روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات اولیه آن از طریق منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. پس از تحلیل داده‌های اولیه، نتایج حاصل از مطالعه نظری به دست آمد. بر این اساس، سعی شده تا با ارائه برخی مدل‌ها موضوع به‌طور دقیق‌تری تبیین شود.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق نشان داد که پلیس با سیاست‌های کنترل جرایم تروریستی امروزه بیشتر به سمت پیش‌بینی از طریق مدل‌های آماری و اطلاعاتی و در شکل جدید آن از طریق هوش مصنوعی رفته است. هم‌چنین، گروه‌ها و مکان‌های پُرخطر، مانند مهاجران و مکان‌های پُرازدحام در اولویت رویکردهای پلیسی به جرایم تروریستی است.

**نتیجه‌گیری:** پیش‌بینی جرم و شناسایی متغیرهای خطرزای تروریستی نقش مؤثری در شناخت زمینه‌های ارتکاب جرم تروریستی توسط پلیس دارند. بر این اساس، گسترش اعمال تروریستی و سپس، امنیت‌گرایی موجب نفوذ سیاست‌های عوام‌گرایانه در رویکردهای پلیسی برای شناسایی برخی متغیرها مانند قرار دادن مهاجران یا مکان‌های پُرازدحام در گروه متغیرهای پُرخطر شده است. در نهایت، تمرکز پلیس ایران باید با کاهش رویکردهای واکنشی به سمت پیش‌بینی و شناسایی خطرهای تروریستی با روش‌ها و مدل‌های اطلاعاتی و آماری حرکت نمایند که می‌تواند در کاهش جرایم تروریستی تأثیرگذار باشد.

**کلیدواژه‌ها:** پلیس، پیش‌بینی، شناسایی، امنیت، تروریسم.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی سیاست‌گذاری افتراقی نسبت به جرم‌های تروریستی» است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، رایانامه: farhad\_shahideh@yahoo.com

۳. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: baghershamloo@gmail.com

## مقدمه

گسترش اعمال تروریستی در سراسر جهان و ارتکاب آن در هر زمان و مکان و تنوع مرتکبان آن، موجب شده است که تروریسم دارای ماهیتی سیال شود. بر همین اساس، طبق آمار موجود از سال ۲۰۰۶ م. تا ۲۰۱۹ م. ۱۵۱/۷۷۱ مورد واقعه تروریستی در جهان ثبت شده است. هم‌چنین، در سال ۲۰۱۹ م. بیشترین تعداد وقایع تروریستی در کشورهای افغانستان، سوریه و هندوستان بوده است و در این سال حدود ۲۵۰۰۰ نفر در حملات تروریستی کشته شده‌اند (استاتیستا،<sup>۱</sup> ۲۰۲۱). در حوزه جرایم تروریستی تأکید بر گفتمان امنیت‌گرایی و ملت‌بند شدن فضای سیاسی در این حوزه موجب شده است تا مفاهیمی چون خطر و امنیت در این حوزه بسیار برجسته شود. بدین‌سان، در رویکرد مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی با تأثیر از مفهوم پیش‌بینی جرم تلاش می‌شود تا متغیرهای خطرزا در این حوزه شناسایی و تدابیر پیشگیرانه در مورد آنها اعمال شود. با توجه به آن‌که جرم‌شناسی آماری و عدالت‌سنجشی به‌دنبال وضعیت‌های خطرزای ارتکاب جرم است، با گذر از مسائل اخلاقی موجود در حقوق کیفری هم‌چون قابلیت انتساب جرم به مجرم و احراز مسئولیت کیفری و نیز با رد اندیشه‌های فلسفه کیفر هم‌چون اصلاح و درمان، به‌دنبال اتخاذ یک رویکرد نظام‌مند جهت پیشگیری از جرم است. بدین‌سان، زوج سرکوبی/پیشگیری در همه جوامع برای دولت‌ها مهم است. البته، در این میان، تمایل بیشتر سیاست‌گذاران جنایی به پیشگیری موقعیت‌مدار را باید در دو دلیل جستجو کرد. نخست، افزایش جرایم خرد و تأثیر آن در زندگی روزمره شهروندان؛ دوم، رشد چشم‌گیر جرایم تروریستی و خشونت‌آمیز.

مدیریت خطر با تمرکز بر ارزیابی خطر و گذر از رفتارهای مجرمانه در صدد بازداشتن، شناسایی و در نهایت حذف مجرمان پُرخطر تروریستی است. بر این اساس، مدیریت جرم-شناختی خطر جرایم تروریستی زمانی به بهترین نحو حاصل می‌شود که رفتارهای پُرخطر،

بزهکاران خطرناک و گروه‌های در معرض خطر به بهترین شکل پیش‌بینی و شناسایی شوند. اهمیت این موضوع به حدی بوده است که در ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ نیز در مقام تعریف پیشگیری از جرم به «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن» اشاره کرده است و به عبارت دیگر، مدیریت خطر را گرانگاه تعریف پیشگیری از جرم قرار داده است. از این رو، فرد یا گروه در معرض خطر ممکن است در معرض پایش و نظارت قرار گیرند. در این میان، پلیس نیز باید با تجدیدنظر در رویکردهای سنتی و با تکیه بر قابلیت‌های دانش نوین در هزاره سوم مهارت و تخصص خود را در راستای مبارزه با جرایم تروریستی افزایش دهد. در این میان، برخلاف جرم‌شناسی انتقادی که مخالف افزایش قدرت پلیس است و بزهکاری را محصول اولویت‌بندی‌کنش گران عدالت کیفری از جمله پلیس می‌داند، در جرم‌شناسی امنیتی گسترش قدرت پلیس نقش مؤثری در کاهش آمار جرم دارد (نیوبورن، ۲۰۰۷: ۶۰۷). درست است که توطئه‌های مخفیانه تروریست‌ها نیازمند اختیارات وسیع پلیسی است، اما پلیس در قلمرو جرایم تروریستی باید این مبانی را نیز در نظر داشته باشد. اول این که، آیا اقدامات قهرآمیز ضروری است و اعمال با حالت تهاجمی کمتر نمی‌تواند همان تأثیر را داشته باشد؟ دوم این که، این اقدامات چه تأثیری بر حقوق اشخاص می‌گذارد؟ آیا آثار جانبی نامطلوبی را ایجاد نمی‌کند؟ بر این اساس، اگر اقدامات خنثی‌کننده بر ظرفیت‌های پلیس در اعتماد شهروندان و مشارکت آنان تأثیر منفی بگذارد یا بر اساس آموزه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا موجب برچسب مجرمانه بر برخی گروه‌ها و طبقات شود، باید در انجام این دسته اقدامات بازنگری کرد. بدین سان، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه بر اساس پیش‌بینی جرم و شناسایی متغیرهای خطرزای تروریستی به دلیل حالت غیرتهاجمی، داشتن تأثیر کمتر بر حقوق و آزادی‌های اشخاص می‌تواند کارسازتر باشد.

مقاله حاضر پس از بررسی راهکارهای پیش‌بینی جرم تروریستی به‌ویژه توسط پلیس، به بررسی شناسایی مهم‌ترین جلوه‌های خطر که بر اساس گروه‌ها و مکان‌های پُرخطر صورت گرفته، می‌پردازد تا برنامه‌ریزی جنایی جهت ایجاد یک سازوکار پیشگیرانه وضعی از گذر مدیریت خطر فراهم شود. از همین رو، این سؤالات مطرح می‌شود که مبنای تغییر رویکرد پلیس در برابر جرایم تروریستی ناشی از چیست؟ هم‌چنین، آیا در فرایند پیش‌بینی و شناسایی متغیرهای خطر برخورد دو‌گانه یا تبعیض‌آمیز از سوی برنامه‌ریزان جنایی صورت می‌گیرد؟

### پیشینه و مبانی نظری

در خصوص پیش‌بینی و شناسایی متغیرهای خطرناک پس از تفحص در منابع موجود، پژوهشی که به‌طور مستقل در قلمرو جرایم تروریستی صورت گرفته باشد، یافت نشد. اما برخی منابع به‌صورت کلی به مدیریت خطر پرداخته‌اند. برای نمونه (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴) در کتاب «سیاست جنایی ریسک‌مدار»، ضمن تبیین فرآیند شکل‌گیری گفتمان ریسک‌مدار و بیان مبانی این رویکرد؛ جلوه‌های آن را در حوزه مدیریت کیفری و غیرکیفری ریسک جرم بیان کرده است. نویسنده بدون تمرکز بر نوع خاصی از جرایم، ضمن معرفی سیاست جنایی ریسک‌مدار به این نتیجه رسیده است که هدف رویکرد مدیریتی، تقلیل و کنترل جرم و جلوگیری از رشد افراطی آن است. در این رویکرد پیش‌بینی و تهیه نیم‌رخ جنایی نقش مؤثری در دستگاه عدالت کیفری دارد و هدف اصلی، ناتوان‌سازی پُرریسک‌ترین مجرمان است. هم‌چنین، (کارگری، ۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک»، با تقسیم‌بندی مدیریت حقوقی، ایجاد موانع و کنترل افراد یا مکان‌های پُرخطر درصدد بیان جلوه‌های مدیریت خطر جرایم تروریستی برآمده است. از دیدگاه نویسنده، سیاست‌گذاران بر سر دو راهی چگونگی مقابله با جرایم تروریستی برآمده‌اند که آیا راهکار کیفری مؤثر است یا سازوکار نظامی و سیاسی. به پیش‌بینی جرم از منظر

گرایش‌ها، الگوها و روابط جرم‌زا (مکیو<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶) توجه شده است. در این کتاب که با عنوان «پیش‌بینی در تحلیل اطلاعات جرم» است، مترجم تلاش کرده تا با برگردان الگوهای فرایند داده‌کاوی و تحلیل پیش‌بینانه، شناسایی، تشخیص و الگوپردازی، آینده جرم را ترسیم نماید. هرچند، اثر حاضر بیشتر جنبه اطلاعاتی و امنیتی دارد و رویکرد جرم‌شناختی به جرم‌تروریستی ندارد.

تحولات تروریسم و تغییر شکل اعمال تروریستی موجب تغییر نگرش سیاست‌گذاران جنایی در این حوزه شده است؛ به‌نحوی که امروزه، اجماع در خصوص اتخاذ رویکردهای افتراقی در حوزه مبارزه و پیشگیری از جرایم تروریستی به یک امر بنیادین تبدیل شده است. یکی از این روش‌های متفاوت را که در جرایم دیگر کمتر به کار می‌رود، باید در پیش‌بینی جرایم تروریستی جستجو کرد. بدین‌سان، تغییر شکل پدیده تروریسم به دو جهت موجب روی آوردن سیاست‌گذاران جنایی به رویکردهای افتراقی شده است: ۱. هدف اصلی تروریسم در قرن بیست و یکم، هراس‌افکنی در میان مردم است و انتخاب روش‌های مختلف در زمان و مکان مختلف و استفاده از هر وسیله‌ای، حتی حیوانات، بر تشدید ترس از وقوع جرم تروریستی می‌افزاید. ۲. تغییر شکل تروریسم و فراگیر شدن آن، افزون بر آثار وسیع و شدیدی که به‌دنبال دارد، در کنار سایر عوامل مانند فشار افکار عمومی موجب مطالبه‌گری امنیتی بیشتر شده است. از همین‌رو، نباید سیاست‌گذاران جنایی را برای اتخاذ چنین سیاستی سرزنش کرد؛ زیرا، سیاست جنایی افتراقی در برابر جرایم تروریستی پاسخ به یک نیاز است. بر این اساس، هر اندازه که یک جرم فاجعه‌آمیزتر باشد، رویکرد متفاوت در مبارزه با آن ضروری‌تر است.

بدین‌سان، سیاست‌گذاران جنایی با دور شدن از علت‌نگری، تمایل بیشتری به معلول پیدا کرده‌اند و بر مسائل و قلمروهایی چون پیش‌بینی جرم، مدیریت ریسک جرم و... تأکید می‌کنند. حتی دولت‌های رفاه در جوامع مردم‌سالار طرح‌های پیشگیرانه‌ای ارائه می‌دهند

که دغدغه‌های انسان‌مدار را به تدریج کنار گذاشته و با راهبردهای پیشگیرانه زودبازده به دنبال کنترل اجتماعی جرایم تروریستی است. این نوع تغییر سیاست‌گذاری جنایی در پیشگیری از جرایم تروریستی، بیان‌گر گسترش فضای تحت کنترل و تقویت راهبرد طرد و خنثی‌سازی افراد با روش‌های مختلف از جمله پیش‌بینی جرم است که در نهایت سیاست جنایی را به سمت الگو اقتدارگرا سوق می‌دهد.

پیش‌بینی، اساسی‌ترین مرحله‌ای است که قبل از انجام هرگونه اقدامات پیشگیرانه باید صورت پذیرد. پیش‌بینی جرم یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در مطالعات جرم‌شناسی تروریسم مطرح شده است. شناسایی متغیرهای جرم‌زا در قالب پیش‌بینی جرم می‌تواند منجر به اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و از بین بردن شاخص‌های خطرزا شود. بدین‌سان، دیوید فارینگتون معتقد است باید با تکیه بر عوامل خطر، ابزارهای پیشگیری از ارتکاب جرم را ترسیم نمود (فارینگتون، ۲۰۰۱: ۱). پیش‌بینی جرم به‌عنوان یک خطر انسانی، پس از ورود رویکردهای مدیریتی خطر جرم، افزایش یافت. از آنجا که راهبرد اصلی مدیریت خطر در جرایم تروریستی بر مبارزه با «هسته مقاوم بزه‌کاران» یا «گروه‌های پُرخطر» است؛ رویکرد سنجش خطر مرتکبان تروریست با تکیه بر معیارهای بالینی و به‌خصوص شاخص‌های آماری نقشی اساسی در ارزیابی خطرناکی مجرمان ایفا می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۶: ۸۰۶).

رابطه پیشگیری از جرم و پیش‌بینی جرم را می‌توان بدین صورت توجیه کرد که پیشگیری بر این امر مبتنی است که ارتکاب جرم امری غیرقابل تصور نیست، بلکه با کمک دانش جرم‌شناسی می‌توان ماهیت و دلایل ارتکاب جرم را شناخت تا بتوان برای رویارویی با آن برنامه جنایی مطلوبی پیش‌بینی نمود (غلامی، ۱۳۸۱: ۷۷). از همین‌رو، روش‌های آماری، ویژگی‌های اجتماعی و زیستی مرتکبان، اطلاعات جغرافیایی جهت شناسایی مناطق داغ جرم،<sup>۲</sup> شناخت عوامل تحریک‌کننده جرم تروریستی، تکرار بزه‌دیدگی، شناسایی الگوی

1. Farrington.

2. Crime hot spots.

رفتارهای مجرمانه تروریستی از جمله روش‌های مرتکبان یا جرم احتمالی تروریستی است که به صورت عملی توسط پلیس قابل پیش‌بینی است.

## روش

این جستار، یک پژوهش کاربردی است که به منظور تبیین جایگاه رویکرد پیش‌بینی به جرایم تروریستی با روش توصیفی-تحلیلی از طریق منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این روش، ادبیات موضوع و مطالعات ارزشمند دیگران مورد توجه قرار گرفته و اطلاعات مورد نیاز از گذر جستجوی کتابخانه‌ای، اینترنتی و بانک‌های اطلاعات، با فیش-برداری جمع‌آوری شده است. کتاب‌ها، مقالات، سایت‌های داخلی و خارجی و دیدگاه‌های مراکز مطالعاتی در این پژوهش به کار رفته است.

## یافته‌ها

**پیش‌بینی جرم.** طبق آموزه‌های جرم‌شناسی پیش‌بینی محور،<sup>۱</sup> ویژگی‌های شخصی و اجتماعی مرتکب از یک سو و شرایط زمانی، مکانی نقش مهمی در پیش‌بینی جرایم احتمالی تروریستی دارد. در هر حال، می‌توان با این رویکرد تا حدودی حملات انتحاری، نوع سلاح تروریست‌ها، میزان موفقیت مرتکبان و زمان و مکان احتمالی مد نظر گروه‌های تروریستی را پیش‌بینی کرد. با این حال، پیش‌بینی جرم تروریستی که به‌عنوان یک ابزار مدیریت خطر استفاده می‌شود، خود از دو طریق حاصل می‌شود. رویکرد اول، همان پیش‌بینی سنتی یا همان جرم‌شناسی آماری<sup>۲</sup> است که با استفاده از عدالت سنجشی، درصد شناسایی متغیرهای خطرزا است و رویکرد دوم که ناشی از رشد فناوری است، پیش‌بینی جرم از طریق فناوری هوش مصنوعی را دربرمی‌گیرد.

۱- **پیش‌بینی از طریق جرم‌شناسی سنجشی.** در نظام مدیریتی، یکی از مهم‌ترین مسائل، کیفیت پیش‌بینی رفتارهای آتی فرد و در واقع، شناسایی بزه‌کاران بالقوه پُرخطر است. در این روش، برای پیش‌بینی رفتارهای فرد در آینده به ابزارهای بالینی و آماری تکیه می‌شود.

۱. Predictive Criminology.

2. Statistics Criminology .



در این راستا، رویکردی جدید به نام عدالت سنجشی<sup>۱</sup> در سیاست جنایی شکل گرفته است که از روش‌های سنجش ریسک آماری جهت پیش‌بینی احتمال تکرار جرم در آینده استفاده می‌کند. در واقع این رهیافت جدید مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسی نبوده و یک شاخه کاربردی نظریه‌ی سیستم‌ها است. بدین سان، با توجه به گفتمان غالب حقوق کیفری که تأمین امنیت جامعه، بزه‌دیدگان بالقوه و پیش‌بینی سریع خطر از جمله خطر مجرمان بالقوه خطرناک و گروه‌های پُرخطر است؛ گروه‌های با خطر بالا با تأکید بر شاخص‌هایی چون نژاد، دین و مهاجرت شناسایی می‌شوند (رضوانی، ۱۳۹۶: ۱۳).

در این بستر، جرم‌شناسی به مثابه ابزاری برای سنجش حالت خطرناک به کار گرفته می‌شود. پیش‌بینی جرم به‌عنوان یک مفهوم برگرفته از جرم‌شناسی آماری به معنای احتمال ارتکاب جرم در پرتو رویکردهای خطرمدار است. در این شرایط، علم آمار به کمک عدالت کیفری آمده و بر اساس برخی متغیرها احتمال ارتکاب جرایم را در آینده تخمین می‌زند (اوانس، ۲۰۰۷<sup>۲</sup>: ۱۳۲). بنابراین، استفاده صحیح از ایده پیش‌بینی جرم به شرطی که موجب نقض حقوق فردی نشود، یک راهبرد مؤثر در پیشگیری از جرم باشد. ایده پیش‌بینی جرم در قلمروی جرایم تروریستی با در نظر گرفتن اطلاعات حاصل از پردازش جرایم و استفاده از تحلیل‌های شبکه‌ای به تحلیل شبکه‌های تروریستی می‌پردازد و احتمال ارتکاب جرایم این حوزه را مورد سنجش قرار می‌دهد. با این حال، تحلیل‌های شبکه‌ای از وضعیت گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی به‌عنوان پیش‌شرط بنیادی پیش‌بینی جرم مستلزم داشتن اطلاعات در مورد نحوه فعالیت و محتوای وب‌سایت‌ها، سوابق اطلاعاتی، ایمیل‌ها و تماس‌ها است. این داده‌ها به‌عنوان اطلاعات خام در مدل پیش‌بینی جرم استفاده می‌شوند. با توجه به آن که در مدل پیش‌بینی جرم تمرکز اصلی بر تحلیل‌های شبکه‌ای است، به جای در نظر گرفتن سوابق مجرمانه گروه‌های تروریستی بر تعاملات رفتاری و سیگنال‌های ارتباطی

---

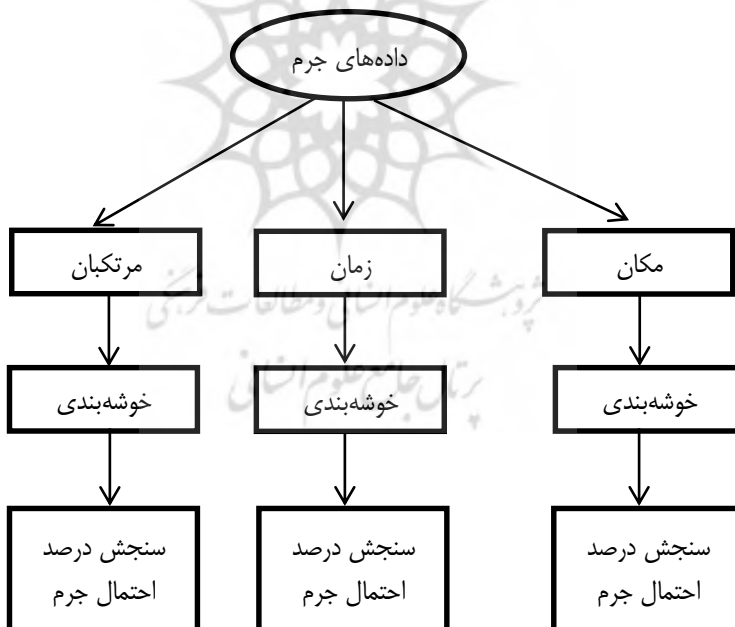
1. Actuarial Justice.  
2. Evans.

توجه می‌شود (لافری و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۸). به همین دلیل، در مورد هر گروه و سازمان مدنظر تلاش می‌شود تا اطلاعات موجود شبکه‌ای به‌دست آیند و از آن طریق خوشه‌های آماری برای تبیین مسئله در قالب الگوی ریاضی استفاده شوند. کرامر<sup>۲</sup> در مقام تبیین مفهوم متغیر خطرزا، این شاخص را به هر امری مربوط می‌داند که در وهله اول از نظر آماری با نتیجه ارتباط داشته باشد و در گام بعد، مقدم بر نتیجه باشد (کارلی، ۲۰۱۳: ۸۷). از همین رو، راهبرد اصلی مدل پیش‌بینی جرم تمرکز بر اساس سه متغیر مهم زمان، مکان و مرتکبان احتمالی جرایم تروریستی است. به عبارت دقیق‌تر، با توجه به آن که جرایم تروریستی محصول یک شبکه پیچیده اطلاعاتی است، در تحلیل‌های آماری خوشه‌ای، سه متغیر مهم زمان، مکان و مرتکبان احتمالی جرم مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌گیرند؛ زیرا یافته‌های آماری نشان می‌دهد که به لحاظ زمانی، در تعطیلات کریسمس، تابستان یا آخر هفته‌ها بیش‌ترین احتمال ارتکاب جرایم تروریستی وجود دارد. به لحاظ مکانی نیز جرایم تروریستی اغلب در مکان‌های شلوغ هم‌چون مرکز شهرها یا در مراکز حمل و نقل عمومی ارتکاب می‌یابند (جاوو و وو، ۲۰۱۵: ۲۸۸۳). در راستای تحلیل‌های آماری دقیق در خصوص پیش‌بینی جرایم تروریستی، پایگاه داده جهانی در حوزه جرایم تروریستی<sup>۵</sup> توسط سیاست‌گذاران و متخصصان آمار تشکیل شده است. این پایگاه داده جهانی با شناسایی و جمع‌آوری داده‌های بیش از ۱۰۴ هزار حمله تروریستی، اطلاعات مربوط به ۴۷ هزار بمب‌گذاری، ۱۴ هزار ترور و ۵۳۰۰ آدم‌ربایی را از سال ۱۹۷۰ م. تا سال ۲۰۲۰ م. را خوشه‌بندی کرده است. برای گردآوری این پایگاه داده، بیش از سه میلیون پانصد هزار سرمقاله در روزنامه‌ها و بیش از ۲۵ هزار کتاب و مقاله در خصوص جرایم تروریستی مطالعه شده است. این پایگاه داده که با هدف اعمال سیاست‌گذاری مناسب برای کنترل جرایم

- 
1. LaFree and Others.
  2. Krammer.
  3. Carley.
  4. Gao, Wu.
  5. The Global Terrorism Database.

تروریستی راه‌اندازی شده است، توسط متخصصان آمار و برای پیش‌بینی جرایم این حوزه به کار گرفته شده‌اند. بر این اساس، مدل پیش‌بینی گروه‌های تروریستی<sup>۱</sup> با تأکید بر دو قلمرو مهم مدل شناسایی گروه<sup>۲</sup> و مدل شناسایی بزهکار<sup>۳</sup> طراحی شده است. مدل پیش‌بینی گروه‌های تروریستی یک مدل آماری است که با در نظر گرفتن متغیرهای تاریخی و اطلاعات مربوط به پیشینه گروه‌های تروریستی، احتمال ارتکاب جرم توسط آن‌ها را می‌سنجد. در این روش، برای هر یک از گروه‌های تروریستی، نمادهایی تعریف می‌شود که شامل متغیرهایی چون زمان ارتکاب جرم، مکان، آماج جرم، استفاده از سلاح، نحوه ارتکاب، آدم‌ربایی و ... است (کومار و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۳۲). این نمادها در واقع الگوهای پیشینی ارتکاب جرم توسط گروه‌ها را مشخص و پیش‌بینی ارتکاب جرم را در سنجه تحلیل‌های آماری تسهیل می‌کنند.

شکل شماره ۱: پیش‌بینی جرایم تروریستی

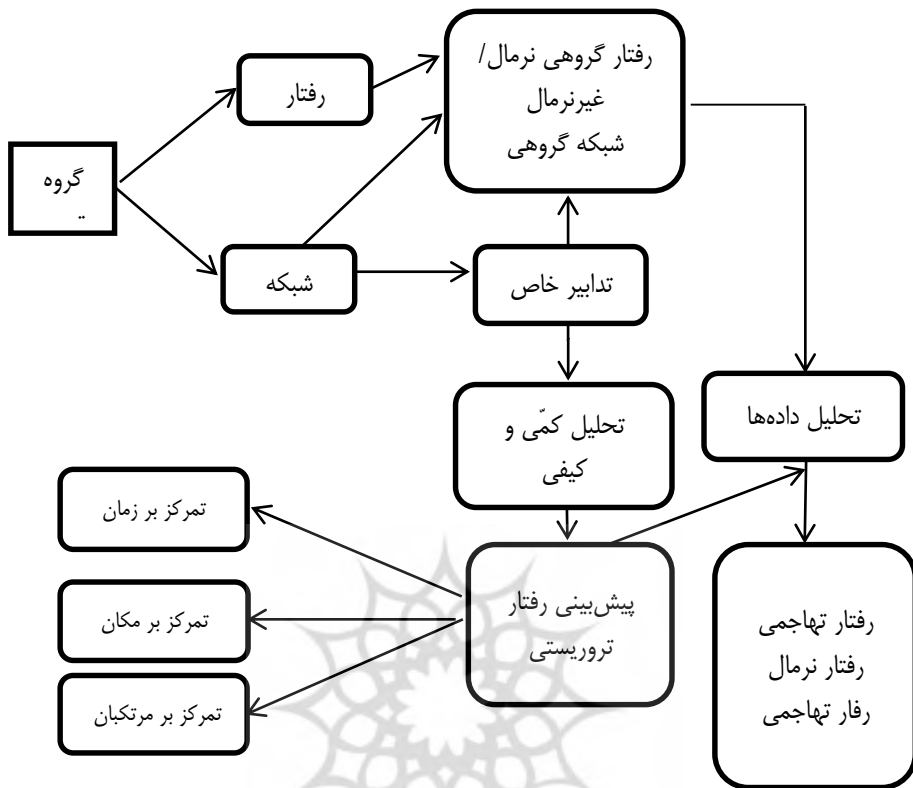


1. Terrorist Group Prediction Model.
2. Group Detection Model.
3. Offender Detection Model.

مدل پیش‌بینی گروه‌های تروریستی در گام اول، احتمال ارتکاب رفتارهای گروهی را در قالب شرکت در جرم بررسی می‌کند. با توجه به آن که ارتکاب جرایم تروریستی محصول شبکه‌های پیچیده و درهم تنیده است، در مرحله اول، شبکه‌های جنایی در قالب گراف‌ها و خوشه‌ها تنظیم می‌شوند (سابراهمانیان و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۱). بدین‌سان، احتمال همکاری شبکه‌های جنایی در گام اول در قالب پیش‌بینی رفتارهای گروهی بررسی می‌شود. در گام دوم یا همان مدل شناسایی بزهکار نیز تأکید بر متغیرهایی است که بزهکاران بر اساس آنها، زمان، مکان و نحوه ارتکاب جرم را انتخاب می‌کنند. در این مرحله با پیش‌بینی زمان، مکان و نحوه ارتکاب تلاش می‌شود تا جرم محقق نشود. علاوه بر آن، مدل مارکوف<sup>۲</sup> دیگر مدل مشهور آماری است که درباره پیش‌بینی جرایم تروریستی، با تقسیم‌بندی رفتارهای گروه‌های تروریستی به رفتارهای فعال و منفعل، درصدد است تا بهترین عملکرد را در پیش‌بینی جرم داشته باشد. به همین دلیل، در مدل مارکوف، خوشه‌بندی‌های ارائه شده در حوزه پیش‌بینی جرم همگی از طریق شبکه‌های اطلاعاتی گروه‌های تروریستی و ارتباطات آنها به دست می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Subrahmanian and Others.
2. Markov Model.



شکل شماره ۲: پیش‌بینی جرایم تروریستی در مدل مارکوف (کارلی، ۲۰۱۳، ۷۰)

بر همین اساس، در ایالات متحده آمریکا، فارغ از جهت‌گیری مغرضانه، پایگاه اطلاعاتی مطالعه تروریسم آمریکا (ATS) در خصوص تروریسم و افراطی‌گری وجود دارد که اطلاعات زمانی، مکانی، ویژگی‌های افراد و گروه‌های احتمالی تروریستی را به وسیله دولت فدرال و از طریق ارتباط با دستگاه‌های قضایی و پلیس گردآوری می‌کند. در سطح بین‌المللی نیز پایگاه‌های اطلاعاتی مختلفی مانند پایگاه اطلاعاتی جهانی تروریسم (GTD)<sup>۱</sup>، پایگاه اطلاعاتی جهانی ردیابی وقایع (WITS)<sup>۲</sup> و تروریسم در

1. Global Terrorism Database.  
2. World Incident Tracking System database.

اروپای غربی: اطلاعات رویدادها (TWEED)<sup>۱</sup> پلیس را جهت پیش‌بینی جرایم تروریستی رهنمود می‌نمایند (شیهان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۶۳).

با وجود آن‌که ایده پیش‌بینی در مورد جرایم مختلف می‌تواند دارای اهمیت باشد، اما ایده اصلی پیش‌بینی جرم با محدودیت‌هایی مواجه است که باید در فرایند پلیسی به آن توجه کرد. از آن‌جا که مرکز اصلی این ایده، تمرکز بر امور احتمالی و محاسبات آماری است، ممکن است اطلاعات به‌دست آمده یا تحلیل‌های ارائه شده منطبق بر واقع نباشند. بدین‌سان، پیش‌بینی جرم با یک محدودیت اخلاقی و قانونی مواجه می‌شود. از این رو، یکی از مهم‌ترین مشکلات این روش، نقض حقوق و آزادی‌های فردی به بهانه تضمین امنیت است و به‌عبارتی، عدالت کیفری با اخلاق‌زدایی مواجه شده است. بر این اساس، برخی حقوق مسلم بشر مانند حق بر خلوت، بر مبنای مدیریت خطر کنار گذاشته شده و حتی بدون وجود ظن متعارف نقض شده است. در این راستا، نگاه امنیتی موجب شده است که در جرم‌شناسی پیشگیری هدف وسیله را توجیه نماید. با این حال، با توجه به آن‌که در جرم‌شناسی سنجشی هدف اساسی تضمین امنیت است، پس به صرف وجود برخی متغیرها می‌توان حقوق افراد را به بهانه داشتن حالت خطرناک نقض کرد. به‌عبارت دیگر، صرف محاسبات آماری جرایم تروریستی می‌تواند پیامدهای ناگواری را به‌وجود آورد؛ زیرا مرتکبان این جرایم نیز با درک صحیح نسبت به ابزارهای عدالت کیفری، روش‌های ارتکاب جرم را تغییر می‌دهند. بدین‌سان، باید گفت که گرچه عدالت سنجشی و توان‌گیری پیشگیرانه می‌تواند یک ابزار مهم برای کنترل جرایم تروریستی باشد، اما اتخاذ افراطی آن بدون شک موجب نقض حقوق و آزادی‌های فردی می‌شود. توجه به حقوق فردی در ایده پیش‌بینی جرم مسئله‌ای حیاتی است، اما در قلمروی جرایم تروریستی، به‌نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران جنایی، ایده پیش‌بینی را به حقوق فردی ترجیح دهند؛ زیرا امروزه، امنیت‌مداری در برخی فروض موجب نقض حقوق فردی شده است. در این بستر، صرف احتمال ارتکاب جرم توسط برخی افراد ممکن است آنها را تحت

1. Terrorism in Western Europe: Events Data.

2. Sheehan.

نظارت‌های خاص قرار دهد یا آنها را در معرض تحلیل‌های آماری در خصوص پیش‌بینی جرم قرار دهد. علاوه بر انتقاد اخلاقی بر عدالت سنجشی؛ پایین بودن احتمال موفقیت آن در خصوص تروریست‌های انفرادی<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین خلأهای این راهبرد پیش‌بینانه است. بر این اساس، شناسایی برنامه‌های انفرادی امری دشوار است، زیرا سازوکارهای عدالت سنجشی بیشتر ناظر بر حالتی است که یک گروه تروریستی قصد ارتکاب جرم دارد. در این حالت مشخص، گردش اطلاعات میان اعضای مختلف گروه و انجام رفتارهای جمعی، الگوهای زمانی و مکانی ممکن است موجب پیش‌بینی عملیات تروریستی شود. بدین ترتیب، اتخاذ این روش در مورد جرایم تروریستی فردی بسیار مشکل است؛ زیرا فقط خود تروریست از قصد انجام عملیات اطلاع دهد و آن را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهد و ممکن است روش‌های مختلفی را برای ارتکاب جرم تروریستی انتخاب کند. از این رو، اگر تروریست‌ها رفتارها و برنامه‌های خود را در انزوا و بدون تعامل با دیگران، تنظیم کنند، امکان استفاده از این راهبرد کاهش پیدا می‌کند.

**۲. پیش‌بینی از طریق هوش مصنوعی.** امروزه متأثر از رشد فناوری و اوج‌گیری صنعت، هوش مصنوعی به‌عنوان یک قلمروی جدید و در راستای خدمت به بشر توسط دانشمندان معرفی شده است؛ به‌طوری‌که در هزاره سوم، فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی جایگزین کارکردهای سنتی انسانی شده است. فناوری هوش مصنوعی یک تقلید ناقص از ذهن انسانی است و برخی توانایی‌های انسانی را دارند که آنها را قادر ساخته است که مسائل را حل کنند و می‌توانند برخی مهارت‌های ذهن انسانی، مانند پیش‌بینی را تقلید کنند. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه جرایم تروریستی، پیش‌بینی این دسته جرایم است که در نهایت منجر به حفاظت از جان شهروندان می‌شود (هالوی، ۱۳۹۷: ۴۳). در این بستر، ابتداریات مجهز به هوش مصنوعی یا رایانه، اطلاعاتی را در خصوص احتمال ارتکاب جرایم تروریستی از طریق سنسور دریافت می‌کند، سپس اطلاعات را با داده‌های ذخیره شده

---

1. Solo Terrorists.  
2. Halleavy.

مقایسه می‌کند و به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. ربات در گام بعدی پیش‌بینی می‌کند که آیا احتمال رخداد واقعه تروریستی وجود دارد یا خیر. با توجه به آن که هوش مصنوعی به سامانه‌هایی گفته می‌شود که واکنش‌هایی مشابه رفتارهای هوشمند انسانی از جمله درک شرایط پیچیده، شبیه‌سازی فرایندهای تفکری، پردازش داده‌ها و شیوه‌های استدلالی انسانی دارند، سامانه هوش مصنوعی از طریق تحلیل‌های دقیق و پردازش اطلاعات خام قادر است احتمال وقوع یک حادثه تروریستی را پیش‌بینی کند (دراکاپولوس، ۱۹۹۴: ۵۱). پس از به-دست آمدن داده‌های متقن، تحلیل‌های هوش مصنوعی در خصوص پیش‌بینی جرایم تروریستی از طریق تصویرسازی داده‌ای<sup>۲</sup> و الگوهای الگوریتمی<sup>۳</sup>، بزهکاران احتمالی، کانون‌های جرم، زمان‌های پُرخطر و ریسک مسافران هوایی را سنجش می‌کنند. بر این اساس، با طراحی نیم‌رخ رفتاری بزهکاران، چالش‌های امنیتی در حوزه تروریسم به صورت مؤثرتری حل خواهد شد، زیرا هدف اصلی پیش‌بینی رفتار انسانی برای شناسایی اعمال تروریستی احتمالی است و ایجاد الگوی زمانی، مکانی و مرتکبان احتمالی در این راستا، کمک قابل توجهی به پلیس می‌کند. بر همین اساس، در سال ۲۰۱۵ م. کمک نوآورهای<sup>۴</sup> فناورانه با استفاده از فناوری هوش مصنوعی، از طریق ۱۷۰ منبع اطلاعاتی در صدد شمارش و مکان‌های انجام عملیات انتحاری برآمدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای الگوریتمی هوش مصنوعی و تصویرسازی داده‌ها در این حوزه موجب شد تا پیش‌بینی‌ها در مورد عملیات انتحاری در حدود هفتاد و دو درصد درست باشد. یکی از مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده توسط کمک‌نوآورها برای پیش‌بینی عملیات انتحاری استفاده از تشخیص رویداد مبتنی بر مدل اولیه با استفاده از سیستم جایگزین‌ها بود. در این روش، داده‌های خام اولیه دریافت و تحلیل می‌شوند و در نهایت، در قالب الگوریتم داده‌ای، پردازش داده‌های دیجیتال صورت می‌گیرد.

1. Drakopoulos.

2. Data Visualization.

3. Algorithms Models.

۴. فرهنگستان زبان و ادب فارسی به جای واژه بیگانه «استارت آپ» واژه فارسی «کمک نوآور» را برگزیده است.



بر اساس تحلیل‌های الگوریتم از میان جامعه آماری، تنها هشت هزارم کاربران به‌عنوان مرتکبان احتمالی جرایم تروریستی شناسایی شدند (رقاوان و همکاران، ۲۰۱۳<sup>۱</sup>: ۲۴۲۰). با این حال، انتظار از هوش مصنوعی برای ارائه راه‌حل‌های فوری و حذف جرایم تروریستی در جهان کنونی واقع‌بینانه نیست. علاوه بر آن، گرچه فناوری هوش مصنوعی می‌تواند در جرایم تروریستی دارای کارکرد باشد، اما توانایی تولید ابزارهای هوش مصنوعی تنها در اختیار کسانی است که به اطلاعات دسترسی داشته باشند. پس، به‌نظر می‌رسد فناوریانه شدن نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و پلیسی و بهبود عملکرد هوش مصنوعی بستر مناسب‌تری را برای استخراج پیش‌بینی‌های دقیق در مورد جرایم تروریستی فراهم کند.

### شناسایی متغیرهای خطرها

در شناسایی متغیرهای پُرخطر به جای تأکید بر مسائل حقوقی محض، به شناسایی وضعیت‌های خطرناک تأکید می‌شود. با توجه به آن که متغیرهای خطرناک جرایم تروریستی در قالب ایده پیش‌بینی جرم معرفی شده‌اند، بنابراین، در این گام ضمن تأکید بر الگوی پیش‌بینی جرم تروریستی، تلاش می‌شود تا مرتکبان احتمالی و مکان‌های خطرناک مستعد ارتکاب جرم شناسایی شوند.

۱. **گروه‌های پُرخطر.** اولین گام در خصوص شناسایی وضعیت‌های خطرناک شناسایی مرتکبان احتمالی تروریستی است. اصول مدیریت خطر، در مورد شناسایی مرتکبان احتمالی تروریستی هرگز مدعی حذف کامل متغیرهای خطرناک نیست، بلکه تنها درصدد کاستن از میزان خطرات تروریستی است. در نتیجه شناسایی گروه‌های پُرخطر و مرتکبان احتمالی جرایم تروریستی، میزان خطر افراد در قالب تحلیل‌های آماری سنجیده می‌شود. مهم‌ترین مواردی که در سنجش میزان خطر افراد سنجیده می‌شود، عبارتند از داشتن شغل، سواد، هم‌گرایی با فرهنگ، سابقه تکرار جرم، خانواده مناسب، مجرد یا متأهل بودن، میزان درآمد، نژاد و دین (عاملی و همکاران، ۲۰۰۷<sup>۲</sup>: ۱۰). پس از به‌دست آوردن متغیرهای فردی خطرناک

1. Raghavan and Others.

2. Ameli and Others.

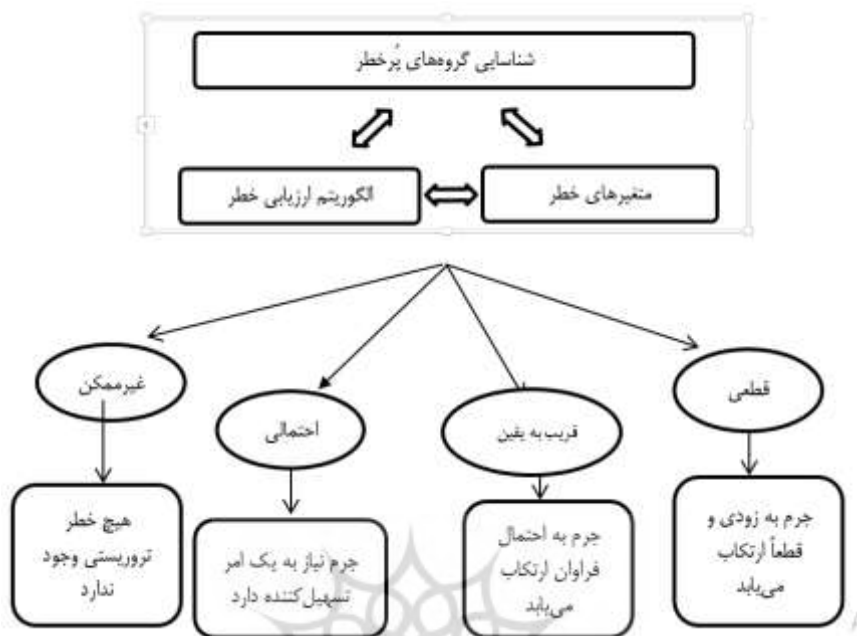
در مدل مدیریت خطر جرم، این متغیرها بر اساس شاخص‌های ارزیابی خطر شامل توانایی ارتکاب جرم، قصد ارتکاب جرم و اثرات جرم بررسی و ارزیابی می‌شوند (وزارت کشور، ۲۰۰۷: ۲۵). بنابراین، در مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی و در قلمروی شناسایی مرتکبان احتمالی، از یک سو، اطلاعات شخصی افراد به دست می‌آید، تا درجه خطرناکی آنها سنجیده شود و از سوی دیگر، متغیرهای فردی در شاخص‌های ارزیابی خطر مورد آزمون قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر در سنجه‌های آماری چنانچه فرد بیکار، بی‌سواد، غریبه با فرهنگ غالب، بی‌خانواده یا بد خانواده، مجرد، فقیر و از گروه‌های اقلیت نژادی و قومی باشد، در جدول سنجش خطر نمره بالایی کسب می‌کند و به همین دلیل، ممکن است به‌عنوان یک فرد خطرناک در معرض برنامه‌های پیشگیرانه قرار گیرد. با این حال، این امر بدان معنا نیست که وی الزاماً مرتکب جرم تروریستی خواهد شد؛ زیرا تا زمانی که متغیرهای فردی در الگوریتم شاخص‌های ارزیابی خطر قرار نگیرند، نمی‌توان با قاطعیت در این مورد سخن گفت. بنابراین، پس از انجام محاسبات آماری یافته‌های مدیریت خطر ممکن است ارتکاب جرایم تروریستی را در قطعی، مورد انتظار، احتمالی یا غیرممکن بدانند. پس، بعد از به دست آوردن متغیرهای فردی و ارزیابی آنها در الگوریتم شاخص‌های خطر، می‌توان میزان واقعی خطر افراد را سنجید.

با وجود به دست آوردن متغیرهای فردی و در نظر گرفتن آنها در الگوریتم ارزیابی خطر، اما آسیب‌پذیری ارزیابی‌های آماری یک چالش مهم در باب شناسایی مرتکبان احتمالی است. آسیب‌پذیری ارزیابی‌های خطر به‌عنوان یک مسئله اصلی در این حوزه حاکی از ضعف در ساختارهای فیزیکی، نقص مدیریت مالی، ضعف سیستم‌های شبکه‌ای، سیستم‌های حفظ اطلاعات و ناتوانی نهادهای امنیتی یا دیگر نهادهایی است که مسئول مبارزه با تروریسم هستند. گرچه کنش‌گران مدیریت خطر درصدد از بین بردن آسیب‌پذیری ارزیابی خطر هستند، اما همواره درصدی از خطا در این روش وجود خواهد داشت. بنابراین، در شناسایی مرتکبان

احتمالی نیز هم‌چون پیش‌بینی جرم درصدی از خطا وجود دارد. با این حال، بنا به سیاست‌گذاری افتراقی در قلمرو جرایم تروریستی و شکل‌گیری گفتمان امنیت‌مدار در این حوزه، این میزان از خطا به دلیل حفظ امنیت پذیرفته می‌شود.

در مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی، شرایطی موجب بروز حالت خطرناک در برخی افراد می‌شود که خود آنها هیچ نقشی در شکل‌گیری آن نداشته‌اند. در مدیریت خطر، تعلق فرد به گروه‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که به عنوان حالت خطرناک انگاشته می‌شود. بر این اساس، در مدیریت خطر، گفتمان امنیت‌گرا با تحلیل‌های آماری، ارزیابی ریسک را بر اساس معیارهای گروهی و نه فردی انجام می‌دهد. در این قلمرو، افراد و گروه‌هایی که به عنوان گروه‌های خطرزا معرفی می‌شوند به عنوان دشمن جامعه معرفی می‌شوند و حتی بدون آن که هنوز مرتکب جرم شده باشند و به سوژه‌های مجرم تروریست تبدیل شوند. برای نمونه، گزارش‌های ارزیابی و مدیریت جرم‌شناختی خطر در آمریکا و کشورهای اروپایی متأثر از یافته‌های آماری پیش‌بینی جرم نشان می‌دهد که دین و مهاجرت دو شاخص عمده در خطرناکی مرتکبان تروریست محسوب می‌شوند (هیون، هادسون، ۲۰۰۷: ۴۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



۱-۱. **مهاجرت.** ارتکاب جرایم تروریستی در لندن و مادرید توسط مهاجران موجب شد تا آنها در سنج‌های آماری جزء دسته‌های پرخطر بزهکاری تروریستی قرار گیرند (هادسون، ۲۰۰۳: ۶۵). مهاجران افرادی هستند که به دلیل ورود به یک کشور دیگر با فرهنگ جدید آشنا می‌شوند. این امر خود یکی از مهم‌ترین دلایلی است که موجب شکل‌گیری وضعیت آنومیک در مهاجران می‌شود و میزان خطر آنها را در جدول‌های آماری افزایش می‌دهد، اما این امر در نهایت نمی‌تواند نشان‌دهنده بالا بودن میزان بزهکاری مهاجران باشد. بیشتر مهاجران به دلیل آن که به صورت غیرقانونی و قاچاق وارد کشورهای اروپایی می‌شوند، برای مدتی سرگردان هستند و تحت شرایطی ممکن است در کمپ‌های پناهجویان و مهاجران پذیرش شوند. این وضعیت به‌طور مشخص، حاکی از آن است که این افراد از شغل و درآمد کافی برخوردار نیستند. علاوه بر آن، یافته‌ها نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ م. تا ۲۰۲۰ م، بیش از ۹۰ درصد افرادی که به اروپا مهاجرت کرده‌اند، بدون خانواده به این کار اقدام کرده‌اند. هم‌زمان، در همین بازه، ۸۳ درصد مهاجران، جوانان مجردی

بوده‌اند که بین ۱۶ تا ۲۷ سال سن داشته‌اند. مجموع یافته‌ها در مورد مهاجرانی که به اروپا رفته‌اند، نشان می‌دهد که آنها بر اساس سنجه‌های مرتکبان احتمالی جرایم تروریستی، بیش‌ترین نمره را کسب خواهند کرد؛ زیرا تمامی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خطرزا شامل آنها می‌شود. در همین راستا، حوادث تروریستی در شهرهای تولوز در سال ۲۰۱۲ م، بروکسل در سال ۲۰۱۴ م. و پاریس در سال ۲۰۱۵ م. موجب تصویب قوانین فزاینده در حوزه مقابله با جرایم تروریستی شد (هادسون و برامهال، ۲۰۰۵: ۷۲۹). با توجه به نقش مهاجران در ارتکاب جرایم تروریستی مورد اشاره، جای تعجب ندارد که در قوانین کشورهای مختلف اروپایی از سال ۲۰۱۲ م. به بعد بر مسأله مهاجران تأکید شده است. با توجه به آن‌که فرانسه خانهٔ دوم افرادی است که در سوریه و عراق مرتکب جرایم تروریستی می‌شوند، اصلاح قانون ضد تروریسم در سال ۲۰۱۴ م، موجب شد تا مهاجران به‌عنوان گروه‌های پُرخطر شناسایی شوند و بر همین اساس، تدابیر جدیدی برای پیشگیری از ارتکاب جرم توسط مهاجران پیش‌بینی شده است (ماده ۳۱). بدین ترتیب، مهاجران به‌عنوان یک طبقهٔ مظنون به ارتکاب جرایم تروریستی، مشمول پایش و نظارت‌های دائم قرار دارند. بر این اساس، الگوهای مبارزه با جرایم احتمالی توسط مهاجران، بر نظارت، سرکوب، بازداشت، اخراج و ... استوار است.

رویکردِ مظنون محوری به مهاجران موجب گسترش فرهنگ ترس از جرم، تشدید کنترل و نظارت شده است به‌نحوی که برخی کشورهای مهاجرپذیر را به پادگانی تبدیل کرده است که وجود فرهنگ‌های مختلف را به‌عنوان یک تهدید جدی تلقی می‌نمایند. گاه نیز در شناسایی مهاجران به‌عنوان یک گروه پُرخطر، علاوه بر شعارهای عوام‌فریبانه مقامات سیاسی جهت پیروزی در انتخابات، رسانه‌ها نیز با گسترش ترس در میان شهروندان و با ارائه گزارش‌های مشکوک از سوی پلیس نقش مؤثری در دشمن‌پنداری اقلیت مهاجران دارند (فکت و وبر، ۲۰۱۰، ۶). به هر حال، مقابله با تروریسم می‌تواند به شهروندان بی‌گناه نیز

- 
1. Hudson, Bramhall.
  2. Fekete, Webber.

آسیب بزند و حقوق آنان در فرایند تحقیقات پلیسی نقض شود (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۸). به‌طور کلی، شاید بتوان به مانند بحث از جرم‌شناسی امنیت‌مدار، دیگری بودن را نوعی ابزار در تعیین پاسخ‌های کیفری ناظر به رفتارهای مخاطره‌آمیز تلقی نمود یا اینکه نه در قالب جرم‌انگاری، بلکه در قالب نوعی سیاست پیشگیرانه، افزایش نظارت بر بیگانگان را در راستای کاهش وقوع رفتارهای مخاطره‌آمیز مدنظر قرار داد. بدین‌سان، شناسایی مهاجران به‌عنوان اقلیت‌مظنون در جامعه، بهانه‌تصویب قوانین سخت‌گیرانه مانند قانون عدالت کیفری و مهاجرت انگلستان مصوب ۲۰۰۸ م.<sup>۱</sup> شده است.

۱-۲. دین یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتارهای انسانی است و مشروعیت‌بخشی اعمال تروریستی از طریق آموزه‌های دینی، مؤید آن است که برداشت‌های نادرست از دین اسلام، موجب حرکت برخی عقاید به سمت ارتکاب جرم می‌شود. با وجود آن‌که پیام اصلی دین اسلام، صلح، برابری و دوستی است، فرقه‌های ضاله، بدون تعامل و گفتگو، بر تفکرات مذهبی خود اصرار داشته و با برداشت ناصحیح از ارزش‌ها و ایده‌های آن مذهب، خود را برتر دانسته و زمینه بروز خشونت و تعصب را فراهم می‌کنند. نمونه بارز این دسته از فرقه‌های انحرافی، گروه موسوم به داعش است. اجتماع شکل‌گرفته داعش مبتنی بر تفسیر بنیادگرایانه و سلفی - تکفیری از اسلام است و بدین جهت، این گروه، سازه‌ای متفاوت از ارزش‌ها، عقاید، احکام و رفتار را به‌وجود آورده است (گرشاسبی و کریمی مله، ۱۳۹۷: ۷). در هر حال، رشد گروه‌های ضاله در وقایع تروریستی موجب شده است تا دین در شاخص‌های قالب مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی قرار داده شود. هرچند، منظور از دین، نوع انحرافی و خشونت‌گرای آن است که ناشی از تفسیرهای غلط فرقه‌های ضاله می‌باشد. با این حال، به‌رغم سیاست‌های اسلام‌هراسانه برخی کشورهای جهان، دین اسلام همه اشکال خشونت نسبت به تمامی انسان‌ها را ممنوع دانسته است.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ م، اعمال پلیسی‌گری بر گروه‌های اقلیت به یک مسئله مهم در نظم عمومی تبدیل شده است. شواهد نشان می‌دهد که راهبردهای سازش‌ناپذیر پلیس انگلستان و خودمختاری فزاینده در این حوزه در قبال گروه‌های اقلیت موجب بروز مشکلات زیادی در این حوزه شده است (آلن و نیلسن،<sup>۱</sup> ۲۰۰۲: ۵۳). بر اساس همین برداشت نادرست، سیاست‌گذاران جنایی انگلستان به جای تمرکز بیشتر بر گروه‌های ضاله، تدابیر نظارتی شدیدی را برای رؤیت رفت و آمد مسلمانان در شهر بیرمنگام<sup>۲</sup> پیش‌بینی کرده‌اند. با تحقیقی که فن ویک و همکارانش انجام دادند مشخص شد که این سیاست بر روابط اقلیت مسلمان و مقامات محلی این شهر تأثیر زیادی گذاشته و در نهایت منجر به خشم اجتماعی و بی‌اعتمادی به دولت شده است. در این راستا، جامعه مسلمان انگلستان در قالب اعلامیه‌های متعدد، اعمال برنامه‌های مدیریت خطر جرم بر مسلمانان را نشانه‌ای از تبعیض فرهنگی دانسته و خواستار رفع ظن همیشگی بر مسلمانان در برابر جرایم تروریستی شده‌اند (فن ویک،<sup>۳</sup> ۲۰۱۱: ۳۶). از این رو، اصول اخلاقی پیش‌بینی شده توسط فلسون و کلارک در خصوص پیشگیری وضعی از جرم، نقض شده است. بدین صورت که در هر برنامه‌ریزی پیشگیرانه وضعی باید سه اصل امکان‌پذیری از جرم به شکل برابر برای تمام طبقات، احترام به حقوق و آزادی‌های اشخاص و تقسیم مسئولیت پیشگیری از جرم در تمام بخش‌های جامعه مد نظر سیاست‌گذاران جنایی قرار داشته باشد. این در حالی است که امروزه به حق آزادی رفت و آمد انسان‌ها به دلیل نگرانی‌های امنیتی سیاست‌گذاران جنایی از طریق نظارت‌های شدید خدشه وارد شده است و پیشگیری از جرم نیز به سوی تبعیض و طبقاتی شدن در جامعه گام برداشته است.

در نهایت، اختیارات گسترده پلیس برای کنترل گروه‌های ریسک‌دار و دارای نیم‌رخ جنایی تروریستی خطرناک، حتی بدون نظارت قضایی یکی از جلوه‌های مهم نفوذ جرم‌شناسی

1. Allen, Nielsen.

۲. Birmingham.

3. Fenwick, Choudhury.

امنیتی در کنترل بزه‌کاران تروریست است. نیم‌رخ جنایی<sup>۱</sup> روشی قانونی است که در آن با استفاده از اطلاعات به‌دست آمده در مورد گرایش‌های فردی و شخصیت افراد، اطلاعاتی در مورد احتمال ارتکاب جرم توسط آنها به‌دست می‌آید (خدمات پلیس پایتخت، ۲۰۰۹: ۱۲۱). در نیم‌رخ‌سازی جنایی تروریستی، دست یافتن به ویژگی‌های شخصیتی افراد، گرایش‌های رفتاری و تعلق به گروه‌های خاص اجتماعی بسیار مهم است؛ زیرا این متغیرها در نیم‌رخ‌سازی جنایی بسیار حیاتی هستند. بر این اساس، نیم‌رخ‌سازی نژادی موجب می‌شود تا از میان عده زیادی از افراد، تنها گروه‌های پُرخطر شناسایی و در معرض برنامه‌های نظارتی هم‌چون تفتیش و بازرسی قرار گیرند.

**۲. مکان‌های پُرخطر.** با وجود آن‌که بحث جغرافیایی فعالیت‌های تروریستی و نحوه توزیع مکانی جرایم این حوزه تاکنون به درستی تبیین نشده‌اند، اما امروزه، متأثر از رویکرد مدیریت ریسک، به مسئله پراکندگی ارتکاب جرایم تروریستی توجه شده است؛ زیرا تروریست‌ها به دنبال آن هستند تا جرم خود را در یک مکان مناسب مرتکب شوند. مکان ارتکاب جرایم تروریستی در هم‌گرایی و واگرایی بزه‌کار و بزه‌دیده نقش دارد و از این جهت تصمیم‌شخص برای ارتکاب جرم در یک مکان مشخص می‌تواند پیامدهای بسیاری را به همراه داشته باشد. به همین دلیل، شناسایی کانون‌های جرم در جرایم تروریستی مهم است. گرچه در گذشته، شاخص‌های مکانی ارتکاب جرایم تروریستی به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شدند، اما وقایع تروریستی رخ داده در اروپا در ده سال گذشته ثابت کرده است که مرتکبان تروریستی به جغرافیای جرم توجه می‌کنند (لی، ۲۰۰۵: ۲۹۱). بر اساس الگوی عقلانی، مرتکبان جرایم تروریستی پیش از ارتکاب جرم مکان‌های خاصی را انتخاب می‌کنند. به همین دلیل، توزیع و پراکندگی جغرافیایی جرایم تروریستی بر اساس مکان‌های خاص مدنظر تروریست‌ها تعریف می‌شود. گسترده‌گی آثار تروریستی موجب انتقال

- 
1. Criminal Proiling.
  2. Metropolitan Police Service.
  3. Li.



راحت‌تر پیام‌تروریست‌ها به دولت‌ها است. از همین‌رو، آنها مکان‌هایی را انتخاب می‌کنند که ارزش نمادین داشته باشد، افکار عمومی و رسانه‌ها را به سوی خود جلب نماید، رعب و وحشت بیشتری ایجاد نماید و خسارت و تلفات زیادی داشته باشد.

یافته‌های مطالعات صورت گرفته و تحلیل‌های آماری در این حوزه نشان می‌دهد که خیابان‌های پُرتردد و شلوغ و ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی هم‌چون مترو، راه‌آهن و فرودگاه‌ها مستعدترین مکان‌ها برای ارتکاب جرایم تروریستی هستند. به عبارت دقیق‌تر، مکان‌های شلوغ که جمعیت زیادی در آن حضور دارند، کانون داغ جرایم تروریستی محسوب می‌شوند. برای نمونه، حادثه تروریستی در خیابان لارامبلای باسلونا در سپتامبر سال ۲۰۱۷ م، یک مثال مشهود برای ارتکاب جرم در خیابان‌های پُر ازدحام است. این خیابان که مهم‌ترین و شلوغ‌ترین خیابان شهر است مرکز حضور گردشگران و افراد بومی است. بر همین اساس، گروه تروریستی داعش یکی از اعضای خود را مأمور کرد تا در این خیابان با خودرو افراد را به زیر گیرد. این حادثه تروریستی که منجر به کشته شدن ۱۳ نفر شد، یکی از عجیب‌ترین جرایم تروریستی از جهت نحوه ارتکاب جرم است. با این حال، پس از این واقعه، بر اساس شاخص پیش‌بینی جرم تدابیر امنیتی و نظارتی در این خیابان به کار گرفته شده تا از وقایع بعدی جلوگیری به عمل آورد (دویانگ و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۵).

یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که برای شناسایی دقیق مکان‌های مستعد ارتکاب جرایم تروریستی به کار برده می‌شود، استفاده از نرم‌افزارهای فناوری‌مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی است. این سامانه با در نظر گرفتن داده‌های مکانی و توصیفی، مجموعه‌ای از اطلاعات را در برمی‌گیرد که جهت دریافت، ذخیره‌سازی، بازیابی، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گرفته می‌شوند. کاربرد این فناوری در خصوص جرایم تروریستی بدین نحو است که پس از واقعه تروریستی، کلیه اطلاعات جغرافیایی مربوط به مکان جرم در اختیار نرم‌افزار قرار می‌گیرد و نرم‌افزار بعد از تحلیل داده‌ها، دیگر مکان‌های مستعد را نیز

مشخص می‌کند. کارایی این نرم‌افزار از این جهت است که منطبق بر الگوی مُسری کانون‌های جرم<sup>۱</sup> در جرایم تروریستی است (گلیتش و وارد،<sup>۲</sup> ۲۰۰۰: ۱۵). الگوی مُسری کانون‌های جرم در جرایم تروریستی بیانگر آن است که چنان‌چه جرمی در مکان الف رخ دهد، در مرحله بعد تمامی مکان‌هایی که به لحاظ جغرافیایی، بافت شهری و اجتماعی مشابه مکان الف هستند، می‌توانند مستعد ارتکاب جرم باشند. بنابراین، سامانه اطلاعات جغرافیایی هم‌سو با الگوی مُسری کانون‌های جرم به‌دنبال ترسیم یک نقشه جامع از کانون‌های جرم خیز و مناطق پُرخطر است. ترسیم این نقشه‌ها کمک بسیار زیادی به شناسایی مکان‌های پُرخطر جرایم تروریستی می‌کند و منجر به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه می‌شود.

کنترل مکان‌هایی که بر حسب شاخص‌های خطرزای مدنظر پلیس نیز هست، یکی از سازوکارهای مدیریتی غیرکیفری از جرم است. بر این اساس، بر خلاف نظریات سنتی جرم‌شناسی علت‌شناختی در نقش محیط بر ارتکاب عمل مجرمانه، در این رویکرد، بدون توجه به ریشه‌های محیطی ارتکاب جرم و با نگاهی مدیریتی، مکان‌هایی که احتمالاً بر اساس مبانی جرم‌شناسی سنجشی محل تجمع مظنونان تروریستی باشد، شناسایی می‌شود. شناسایی مکان‌های پُرخطر یکی از حوزه‌های مهم در مطالعات جرم‌شناسی تروریسم است. البته، برداشت‌های سیاسی و عوام‌گرایانه سیاست‌گذاران جنایی فرانسه و آلمان از تروریسم در بستن برخی مکان‌های خاص یا اختلال در تجمعات خطرناک که به نوعی پیشگیری سرکوب‌محور محسوب می‌شود، بی‌تأثیر نیست. بدین‌سان، به‌دنبال ترس از جرایم تروریستی و احساس ناامنی در کشورهای اروپایی، بسیاری از دولت‌های رفاه برنامه‌های پیشگیرانه خود را بر اساس امنیت‌محوری مورد بازبینی قرار دادند. نتیجه این تغییر گفتمان، افزایش فضای کنترل شده، محدودیت بیشتر شهروندان و تحدید تجمعات، توان‌گیری پیشگیرانه از مرتکبان احتمالی و گسترش اختیارات پلیس است که با مدل مردم‌سالار سیاست جنایی فاصله زیادی دارد.

1. The Contagious Pattern of Hot Spots.  
2. Gleditsch, Ward.

## بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاران جنایی با روی‌گردانی از نظراتی که مجرم یا فرد دارای خطرناکی را قربانی جامعه می‌دانستند و همچنین، اهمیت روزافزون تأمین امنیت، به رویکردهای امنیتی و مدیریتی روی آورده‌اند. پلیس با مدیریت خطر جرایم تروریستی و از طریق در نظر گرفتن احتمال بروز خطر در تلاش برای شناسایی روش‌هایی است تا از طریق آن بتواند از یک سو، مرتکبان احتمالی را به نحو صحیح ارزیابی کند و از سوی دیگر، از پیامدهای وقایع تروریستی کم کند. در بسیاری از کشورها بعضی اقلیت‌ها، ملیت‌ها و شهروندان ملی خارجی تبار به عنوان افراد ریسک‌دار و گروه‌های خطر دار بالقوه، فارغ از هرگونه عمل مجرمانه، تحت پایش محسوس و نامحسوس عوامل پلیسی-امنیتی قرار دارند؛ رویکرد سیاست جنایی به این دسته افراد و مرتکبان جرایم تروریستی، دیگر انسان‌مدار نیست و ایجاد تحول در سیاست‌گذاری جنایی در برابر تروریسم اجتناب‌ناپذیر شده است. از همین رو، شاهد برخورد دوگانه برنامه‌ریزان جنایی و شکل‌گیری طبقات خطرناک با تأکید بر برخی ویژگی‌ها از قبیل دین و مهاجرت در اثر این نگاه تبعیض‌آمیز هستیم؛ به‌نحوی که می‌توان گفت جرم‌شناسی نیز تا حدی به ابزار پلیس برای پیش‌بینی و شناسایی خطرات تروریستی تبدیل شده است. این منطبق تفاوت در برخورد با متهمان تروریست، نشأت گرفته از رویکردهای امنیت‌گرا و سیاست جنگ با تروریسم است که زمینه تفاوت برخورد پلیس در رفتار با خودی‌ها و غیر خودی‌ها، مانند شهروندان داخلی و خارجی را فراهم کرده است که در نهایت منجر به ایجاد تبعیض در بین اعضای جامعه می‌شود.

بر این اساس، دغدغه‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاران جنایی تغییر کرده است و دیگر شناسایی عوامل ارتکاب جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، بازگشت مرتکب تروریستی به جامعه و اصلاح و درمان وی اهمیت چندانی ندارد. آنچه مهم است کاهش آسیب‌های ناشی از رفتارهای مجرمانه تروریستی و از بین بردن کامل جرایم است. این امر در کنار رشد نگرش‌های امنیتی در جرم‌شناسی موجب شده تا راهبرد پیش‌بینی جرم و شناسایی متغیرهای خطرزا به یک مبنای مهم پیشگیرانه در این حوزه تبدیل شود. از همین رو، حفظ امنیت جامعه

در دوره کنونی دارای آن‌چنان اهمیتی شده است که به صرف احتمال ارتکاب جرم افراد ممکن است تحت برنامه‌های نظارتی غیرکیفری قرار گیرند تا از ارتکاب جرم توسط آنها جلوگیری به عمل آید.

بدین‌سان، آینده‌پژوهی در حوزه تروریسم با توجه به تغییر شکل جرایم تروریستی و مرتکبان آن در هزاره سوم، امری ضروری است. شناخت تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فناوری برای پیش‌بینی تغییرات آینده از یک‌سو و علت‌شناسی تروریسم از سوی دیگر امروزه به یک امر اجتناب‌ناپذیر در نهاد پلیس تبدیل شده است. از این‌رو، پلیس‌های متخصص هر کشور با شناخت سابقه ارتکاب جرایم تروریستی و تحولات جامعه می‌توانند نقش مؤثری در آینده پژوهی مبارزه با تروریسم داشته باشد. مبنای آینده پژوهی پلیس نیز باید بر منابع موجود و عملیات تروریستی که در گذشته ارتکاب یافته است، ترسیم شود.

در هر حال، نباید از این موضوع غافل شد که احتمال‌گرایی رویکرد پیش‌بینانه ممکن است پلیس را به موفقیتی مقطعی برساند، در حالی که برخی از حقوق‌افراد را نادیده بگیرد. در دهه‌های اخیر سیاست‌های پلیسی در حوزه کنترل اجتماعی جرایم تروریستی تبعیض‌آمیز شده است، به‌نحوی که می‌توان به سیاست‌زدگی مدیریت خطر اشاره کرد. از همین‌رو، پس از مدتی، پیش‌بینی و شناسایی که بر اساس آمار و احتمالات صورت می‌گیرد، قابلیت بحران‌زایی دارند. به‌عبارت دیگر، از آنجا که منبع اطلاعات معمولاً توسط نهادها و اشخاص وابسته به دولت تأمین می‌شود، ممکن است با ایجاد پیش‌داوری نسبت به گروه‌ها و مکان‌هایی خاص مانند محل‌های عبادت منجر به مداخلات کیفری شدید شود. این در حالی است که عملاً فرقه‌های ضاله شاخص خطرناکی در زمینه ارتکاب جرایم تروریستی محسوب می‌شوند. از این‌رو، برخی موارد پیشنهاد می‌شود.

### پیشنهادها

۱. پلیس با بهره‌گیری از آموزه‌های مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی، راهکارهای پیش‌بینانه را هم از گذر پیشگیری وضعی از جرایم تروریستی به کار ببندد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود با توجه به بند «ح» ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه

جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ که به بکارگیری همه امکانات جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با خشونت‌گرایی، تروریسم و افراط‌گرایی اشاره شده است، کشور ایران که مرزهای جغرافیایی گسترده‌ای با کشورهای دارد که آمار جرایم تروریستی در آنها بالا است، از الگوهای اطلاعاتی و آماری جنایی و نیم‌رخ سازی جرایم تروریستی استفاده نماید.

۲. با توجه به ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ و عضویت فرماندهی نیروی انتظامی در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، وظایفی مانند تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در جهت پیش‌بینی و شناسایی مرتکبان خطرناک به صورت مؤثری صورت گیرد.

۳. به منظور شناسایی، تشکیل بانک اطلاعاتی روزآمد، اطلاع از آخرین وضعیت حبس، رهایی و آزادی، اشراف اطلاعاتی و رصد اقدامات و سلب هرگونه تحرک و اقدام سوء، پیشگیری از تکرار جرم و افزایش هزینه ارتکاب جرم مجدد در راستای اصلاح رفتارهای مجرمانه مجرمان سابقه‌دار، حرفه‌ای و خطرناک بانک اطلاعاتی از داده‌های زیستی و اجتماعی‌مظنونان و مرتکبان تروریست و سوابق آنها که دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابق دار مصوب ۱۳۹۷ پیش‌بینی شده است، عملی شود.

۴. تحلیل‌ها و راهکارهای پیش‌بینانه در شرایطی کارآمد تلقی می‌شوند که بر نرخ جرایم تروریستی تأثیرگذار باشند. بر این اساس، مداخلات پلیس را می‌توان از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین حالت به این صورت تقسیم نمود:

- مداخلات عمومی: تخصیص منابع بیشتر در واکنش به افزایش خطر ارتکاب جرم؛ برای نمونه، اختصاص مأموران پلیس بیشتر در کانون‌های داغ جرم.

- مداخلات اختصاصی: در این مداخله، امکانات بیشتر برای مبارزه با نوع خاصی از جرم، مانند جرایم تروریستی پیش‌بینی می‌شود. در این راستا، تمرکز پلیس بر یک مکان یا طبقه‌ای خاص از مرتکبان احتمالی که خطر ارتکاب جرم در آن زیاد است، می‌باشد.

- مداخلات مسأله‌محور: مداخلات مسأله‌محور پیچیده‌ترین نوع مداخله است، فرایند محور هستند. بر این اساس، پلیس افراد، جمعیت‌ها و مکان‌های پُرخطر را که جرم‌زا هستند شناسایی می‌کند و به‌دنبال پاسخ به برخی جرایم خاص است.

۵. پلیس باید ضمن بکارگیری از راهبردهای پیش‌بینانه در حوزه جرایم تروریستی به روابط میان بخشی در راستای پیشگیری از جرم، حریم خصوصی و مشارکت مردم در سیاست‌های ضد تروریسم توجه داشته باشد، زیرا صرف تکیه بر پیش‌بینی نمی‌تواند تضمین‌کننده تأمین امنیت در جامعه باشد و چه بسا در نهایت به شکست منجر شود. به عبارتی می‌توان رویکرد چند وجهی/ ترکیبی را برای پلیس در راستای مقابله با جرایم تروریستی در نظر گرفت: الف: پیش‌بینی؛ ب: پیشگیری؛ ج: واکنش و د: کاهش آسیب‌ها. بر این اساس، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- توانمندسازی جامعه و شهروندان برای مقابله با جرایم تروریستی.
- حمایت از آزادی‌های مدنی و مسئولیت‌پذیری افراد.
- پای‌بندی به قانون و تناسب میان مداخلات پیشگیرانه و تهدیدات احتمالی.
- استفاده از ظرفیت‌های مردمی جهت گزارش‌دهی در خصوص احتمال ارتکاب جرایم تروریستی.

- تمرکز بر تعامل نهادهای دولتی در پیشگیری از جرایم تروریستی.

۶. جمع‌آوری، اشتراک‌گذاری اطلاعات و همکاری نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص مرتکبان، زمان، مکان، شیوه ارتکاب جرم، گروه‌های تروریستی، نوع سلاح و ... در زمینه مبارزه با تروریسم مؤثر است. بر این اساس، پلیس بین‌الملل از طریق سیستم اطلاع‌رسانی برای شناسایی زمینه‌های مستعد جرم تروریستی و افراد گروه‌های مظنون که دارای جنبه پیش‌بینانه نیز هست، با دولت‌های عضو در ارتباط است. از این رو، باید از ظرفیت‌های پلیس بین‌الملل در سطح ملی استفاده شود و ضمن تشکیل پلیس ویژه مبارزه با جرایم فراملی، راهبردهای این نهاد بین‌المللی توسط پلیس بین‌الملل ناجا بومی‌سازی شود.

۷. همسایگی با کشورهایمانند افغانستان و پاکستان که مستعد حضور گروه‌های تروریستی است، توافق منطقه‌ای با این کشورها را در راستای تسهیل شناسایی و پیش‌بینی جرایم تروریستی ضروری ساخته است. بر این اساس، حداقل باید بانک اطلاعاتی ضد تروریسم با همکاری کشورهای منطقه خاورمیانه تشکیل شود و تعاملات پلیس بین‌الملل کشورهای مذکور ارتقا یابد.

### سپاسگزاری

در پایان، بر خود فرض می‌دانیم که از زحمات تمام افرادی که در این پژوهش نویسندگان را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نماییم.

### منابع

۱. پاک نهاد، امیر. (۱۳۹۴). *سیاست جنایی ریسک ملار*. نشر میزان.
۲. رضوانی، سودابه. (۱۳۹۶). *مدیریت ریسک جرم*. دانشنامه علوم جنایی اقتصادی. به کوشش امیرحسن نیازپور. نشر میزان.
۳. رضوانی، سودابه. (۱۳۹۶). *مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی*. نشر میزان.
۴. غلامی، حسین. (۱۳۸۱). *پیش‌بینی جرم*. مجله الهیات و حقوق، ۲ (۶)، ۶۱-۷۸.
۵. کارگری، نوروز. (۱۳۹۸). *مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک*. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۵ (۴۸)، ۱۸۱-۲۰۴.
۶. گرشاسبی، رضا؛ کریمی مله. علی. (۱۳۹۷). *کودکان داعش: از درون فکنی ایستار تکفیری تا برون فکنی رفتار تسخیری*، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸ (۱)، ۱-۲۸.  
<http://priw.ir/article-1-214-fa.html>
۷. مکیو. کولین. (۱۳۹۶). *پیش‌بینی در تحلیل اطلاعات جرم*. ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۸. هالوی. گابریل. (۱۳۹۷). *مسئولیت کیفری ربات‌ها: هوش مصنوعی در قلمرو حقوق کیفری*. ترجمه فرهاد شاهیده و طاهره قوانلو. نشر میزان.

۹. خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۶، ۲۸ آبان). طرح مقابله با مساجد و تشکیلات سلفی‌های افراطی

در آلمان، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/print/96082816110/>

10. Abbas, T. (2007). *Muslim Minorities in Britain: Integration, Multiculturalism and Radicalism in the Post-7/7 Period*, *Journal of Intercultural Studies*, 28(3), 287-300.  
DOI:10.1080/07256860701429717
11. Allen, C., & Nielsen, J. (2002). *Summary Report on Islamophobia in the EU After 11 September 2001*. Vienna: European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia.
12. Ameli, S., & Marandi, M., & Ahmed, S., & Kara, S., & Merali, A. (2007). *The British Media and Muslim Representation: The Ideology of Demonisation*. Islamic Human Rights Commission.
13. Carley, K. (2013). *Dynamic Network Analysis*, Alphascript Publishing.
14. Drakopoulos, S.A. (1994). *Hierarchical Choice in Economics*, *Journal of Economic Surveys*, 8. 133-155.  
DOI:org/10.1111/j.1467-6419.1994.tb00097.x
15. Duoyong, S., & Zhu, R., & Li, B. (2015). *Agent based modeling on organizational dynamics of terrorist network*, *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2015. 1-17.  
DOI:10.1155/2015/237809
16. Evans, J. (2007). *Intelligence, Counter-terrorism and Trust*. Security Service.
17. Farrington, D.P. (2000). *Explaining and preventing crime: The globalization of knowledge -The American Society of Criminology 1999 presidential address*, *Criminology* 38(1), 1-24. DOI:org/10.1111/j.1745-9125.2000.tb00881.x
18. Fekete, L., & Webber, F. (2010). *Foreign nationals, enemy penology and the criminal justice system, Race and class*, *Institute of Race Relations*, 4(51), 1-25.  
DOI:10.1177/0306396810362868
19. Fenwick, H & Choudhury, T. (2011). *The Impact of Counter-terrorism Measures on Muslim Communities*, *Equality and Human Rights Commission Research Report Series*, 72. 151-181. DOI:10.1080/13600869.2011.617491



20. Gao, S., & Wu, Q. (2015). *Period analysis and trend forecast for soil temperature in the Qinghai-Xizang Highway by wavelet transformation*, *Environmental Earth Sciences*, 74(4), 2883-2991.
21. Garland, J., & Spalek, B., & Chakraborti, N. (2006). *Hearing Lost Voices: Issues in Researching 'Hidden' Minority Ethnic Communities*, *British Journal of Criminology*, 46, 423-437. DOI: org/10.1093/bjc/azi078
22. Gleditsch, K., & Ward, M. (2000). *Peace and War in Time and Space: The Role of Democratization*. *International Studies Quarterly*, 44, 1-29. <https://www.jstor.org/stable/3013967>
23. Heaven, O., & Hudson, B. (2007), *Race, Ethnicity and Crime*, in: Hale, C., Hayward, K., Wahidin, A. and Wincup, E. eds. *Criminology*. Oxford: Oxford University Press.
24. Home Office. (2007). *Preventing Violent Extremism: A Strategy for Delivery*. HM Government: London.
25. Hudson, B. (2003). *Justice in the Risk Society: Challenging and re-affirming justice in late modernity*. London: Sage.
26. Hudson, B., & Bramhall, G. (2005). *Assessing the 'Other': Constructions of 'Asianness in Risk Assessments by Probation Officers'*, *British Journal of Criminology*, 45(5). DOI:org/10.1093/bjc/azi002
27. Khan, F., & Mythen, G. (2008). *Negotiating the Third Space: Shifting Identities amongst Young British Muslims*, *ESRC Muslim Geographies Conference*, the University of Liverpool, UK, 4th April.
28. Kumar, P., & Krishna, R., & Raju, B. (2019). *Pattern discovery using sequence data mining*, *Applications and studies*.
29. LaFree, G., & Dugan, L., & Xie, M., & Singh, P. (2012). *Spatial and Temporal Patterns of Terrorist Attacks by ETA 1970 to 2007*, *Journal of Quantitative Criminology*, 28(1), 7-29. <https://www.jstor.org/stable/43551920>
30. Li, Q. (2005). *Does Democracy Promote or Reduce Transnational Terrorist Incidents?*, *Journal of Conflict Resolution*, 49(2), 278-297. DOI:10.1177/0022002704272830

31. Metropolitan Police Service. (2009). *Stop and Search Monitoring Report*, London: MPS.
32. Newburn, T. (2007). *Criminology*, United States, Willan Publishing.
33. Raghavan, V., & Galstyan, A., & Tartakovsky, A. (2013). *Hidden Markov models for the activity profile of terrorist groups*, *The Annals of Applied Statistics*, 7(4), 2402-2430. DOI:10.1214/13-AOAS682
34. Sheehan, I. S., (2012). *Assessing and comparing data sources for terrorism research*, In: C. Lum & L. W. Kennedy (Eds.), *Evidence-based counterterrorism policy*, New York, NY: Springer.
35. Subrahmanian, A., & Mannes, A & Sliva, A & Shakarian, J & Dickerson, J. (2012). *Computational Analysis of Terrorist Groups: Lashkar-e-Taiba*, Springer Science and Business Media.
36. Statista. (June, 2020). *Number of terrorist attacks worldwide between 2006 and 2019*, Available at: <https://www.statista.com/statistics/202864>

